

ظرفیت روش‌شناسی بنیادین در بازخوانی انتقادی روش‌شناسی متکلمان مسلمان در پاسخ به مسئله تحول انواع داروین

زهره بهاری*

محمدتقی یوسفی**

مجتبی رستمی کیا***

چکیده

در روش‌شناسی بنیادین، مبادی هستی‌شناختی، روش‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی و ... مورد بررسی قرار می‌گیرند. در این مقاله ابتدا، پاسخ دوازده تن از متکلمین اسلامی به نظریه داروین بررسی شده، سپس مسئله اصلی این مقاله، که ظرفیت و مزایای روش‌شناسی بنیادین است، با دو روش‌شناسی عمده دیگر یعنی «روش‌شناسی ایان باربور» و «روش‌شناسی احد فرامرز قراملکی» با روش کتابخانه‌ای و تحلیلی، مقایسه شده‌اند. یافته مهم این روش‌شناسی نسبت به دو روش‌شناسی دیگر «جامعیت»، «شفافیت»، «دوری از تأویل‌گرایی»، «دوری از تقلیل‌گرایی» و زمینه‌سازی برای ایجاد یک «سیستم شناخت» و «پیش‌بینی جهت شناخت و تولید علم» است که می‌تواند در جای‌گذاری مبانی الهی به‌جای الحادی در نظریه تحول انواع داروین به کار آید.

واژگان کلیدی

روش‌شناسی، بنیادین، کاربردی، سیستم‌الوژی، تحول انواع، متکلمان مسلمان.

z.baharii71@gmail.com
yousofi77@bou.ac.ir
kia.mojtaba@ymail.com
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۳

*. کارشناسی ارشد دانشگاه باقرالعلوم (نویسنده مسئول).
**. استادیار دانشگاه باقرالعلوم.
***. دانشجوی دکتری دانشگاه معارف اسلامی و مدرس معارف اسلامی.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۳/۲۶

طرح مسئله

مهم‌ترین رکنی که در علوم زیستی امروز حاکم است نظریه «تحول انواع» است. سیطره نظریه تحول انواع بر زیست‌شناسی و پیامدهای مهم آن بر علم جدید بر کسی پوشیده نیست. چارلز رابرت داروین^۱ (۱۸۰۹ - ۱۸۸۲) زیست‌شناس و زمین‌شناس انگلیسی این نظریه را در فضای زیست‌شناسی مطرح کرد که بر اساس آن تمام موجودات در اثر «تکامل» به یکدیگر تبدیل می‌شوند و هیچ نوعی بدون مقدمه و به‌صورت دفعی آفریده نشده است. کتاب‌های منشأ انواع (۱۸۵۹ م) و تبار انسان (۱۸۷۱ م) شامل آراء او در این زمینه است. وی با نظریه تحول انواع تأثیر شگرفی بر آراء معاصرین و زیست‌شناسان و فیلسوفان بعد از خود گذاشته است و بنابر نظر ایان باربور وی از منزلتی در زیست‌شناسی برخوردار است که بی‌شبهت به مقام نیوتن در فیزیک نیست. (باربور، ۱۳۹۲: ۱۳۸) علت این امر هم این بود که این دو نفر از یک علم آغاز نمودند اما در یک منظومه یکپارچه و واحد توانستند وجود پدیده‌های متنوع را توجیه نمایند. آموزه‌های داروین نه‌تنها برای توضیح تکامل بیولوژیک از اهمیت بالایی برخوردار است بلکه همچنین عموماً برای شناخت و درک جهان و انسان نیز بسیار مهم است. به همین دلیل در زمان خودش نمادی چندوجهی شده بود که اشخاص مختلف از آن به سود خود استفاده می‌کردند. برای خردگرایان او مظهر توانایی دانشمندان در راه‌یابی به عرصه‌های معرفتی بود. لیبرال‌ها نظریه او را مؤید فلسفه خوش‌بینانه پیشرفت می‌دانستند؛ به این معنا که همه چیز خود به خود بهتر می‌شود کافی است اجازه دهیم که طبیعت و جامعه راه خود را بروند؛ (باولر، ۱۳۸۰: ۷) اما در میان دین‌داران بیش از همه وی به‌عنوان پایگاه الحاد شناخته شد. کسی که در کتاب‌های خود نهایتاً مظهری از «لاادری‌گری» و «ندانم‌گویی»^۲ بود؛ امروزه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پناهگاه‌های الحاد شناخته می‌شود. وی هر چند در پایان سفر دریایی از باورهای سنتی دینی دست شست و هر چند معجزات، وحی و آفرینش خاص را نفی کرد و بر اساس مبانی اخلاقی، عقیده به جهنم را مورد اعتراض قرار داد، اما در نهایت نمی‌توان او را «ملحد» دانست. (باربور، ۱۳۹۲: ۱۵۷)

نظریه تکامل در مواجهه با آموزه‌های مسیحی دشواری‌هایی را در حوزه انسان‌شناسی، الهیاتی، اخلاق و اعتبار کتاب مقدس برانگیخت که به اعتقاد برخی این دیدگاه متضمن نفی آفرینش شکوهمند انسان و هیبوط آدم، از بین رفتن امتیاز انسان در برخورداری از روح و جاودانگی، انکار هدف‌داری جهان و تدبیر الهی و تزلزل برهان نظم، نفی نظام ثابت و سلسله مراتبی عالم، فروپاشی نظام ارزشی سنتی و همچنین برپایی نظام اخلاقی سکولار بود.

رویکرد متفکران اسلامی در خصوص نظریه مذکور بسیار متمایز از الهی‌دانان مسیحی بود. در میان آنها دغدغه مخدوش‌شدن اصل توحید و خداشناسی مطرح نبود؛ چراکه در جهان اسلام برای اثبات وجود خدا از ابتدا برهان نظم استفاده نشده بود تا خدشه آن تأثیر چندانی بر اعتقادات آنان داشته باشد. بیشتر پرسش‌ها و کاوش‌های متفکران اسلامی خصوصاً اندیشمندان حوزوی درباره ارتباط آیات قرآن با نظریه تکامل و بررسی میزان انطباق نظریه مذکور با متون اسلامی بود. (آسوده، ۱۳۹۴: ۱۳۲)

متفکران و اندیشمندان اسلامی در مقابل نظریه تحول انواع داروین رویکردها و واکنش‌های متفاوتی از خود نشان دادند. برخی از متفکران بر این باورند که پاره‌ای از آیات، ظهور در خلقت اشتقاقی انسان دارند و به‌طور صریح بر تئوری تکامل دلالت می‌کنند؛ عده‌ای دیگر از مفسران به مخالفت با این نظریه پرداخته و صراحت و نص آیات قرآن را در پیدایش استقلالی انسان دانسته و عده‌ای دیگر هر دو ظهور را از آیات دریافته و به‌گونه‌ای فلسفی و زبان‌شناختی به حل تعارض پرداخته‌اند.

اما وجه همت این مقاله به هیچ روی بررسی نظریات الهی‌دانان نیست. در اینجا سعی کرده‌ایم، به‌صورت روشمند، روش الهی‌دانان در پاسخ به این مسئله را مورد بررسی و بازبینی قرار بدهیم. پس از ارائه نظرات اجمالی این الهی‌دانان و استدلال‌های اصلی ایشان در این باب، براساس ۲ روش‌شناسی موجود (باربور - فراملکی) به بررسی این نظریات بپردازیم، سپس سعی کرده ایم در یک کار پژوهشی نو، ساختار جدید برای روش‌شناسی این نظریات پیشنهاد بدهیم. در این مقاله سعی خواهیم نمود بر اساس «روش‌شناسی بنیادین» روش‌های موجود در این پاسخ‌ها را به نظاره و بررسی بنشانیم و تمایزات و اشتراکات آنها را دریابیم.

1. Charles Robert Darwin.
2. Agnosticism.

ذکر این نکته نیز خالی از وجه نیست که نگارندگان به هیچ روی در پی استقراء تام الهی‌دانانی که در این نظریه پاسخ داده‌اند نبوده‌اند و سعی کرده‌اند مشهورترین و اثرگذارترین این افراد در تاریخ معاصر جهان اسلام به‌خصوص با تأکید بر اندیشمندان ایرانی را موردتوجه قرار دهند. از این‌رو سعی شد که نظریات ۱۲ تن از متکلمان معاصر: «علامه طباطبایی»، «دکتر سید حسین نصر»، «استاد مصباح یزدی»، «استاد شهید مطهری»، «آیت‌الله مشکینی»، «آیت‌الله طالقانی»، «دکتر یدالله سجایی»، «علامه محمدتقی جعفری»، «استاد ناصر مکارم شیرازی»، «استاد جعفر سبحانی»، «دکتر احد فرامرز قراملکی» و «دکتر عبدالحسین خسروپناه» مورد بررسی و روش‌شناسی قرار گیرد. در متن برای این افراد هم‌فکرانی نیز ذکر شده است که به دلیل مشابهت زیاد جدا نشده‌اند.

دیدگاه حکمای اسلامی نسبت به نظریه تحول انواع

الف) علامه سید محمدحسین طباطبایی

در ذیل آیه ۲۱۳ سوره بقره، «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً...؛ مردم، ملت‌ی یگانه بودند» در ذیل بحث «حقیقت و تاریخ نوع انسان» به مخالفت با این نظریه می‌پردازد. عمده دلایل وی در مخالفت با نظریه تحول انواع داروین دو مطلب است: این نظریه بر خلاف نظر قرآن است که بر اساس آن اولین فرد بشر و همسرش از هیچ پدر و مادری متولد نشده‌اند، بلکه از خاک یا گل بی‌واسطه و مستقیم آفریده شده‌اند؛ دیدگاه لفظمدارانه ایشان در این دلیل خود محل تأمل است. وی دلیل دوم را این می‌داند که قوانین علمی به سر حد قطعیت نرسیده‌اند و از این‌رو قابل اطمینان نیستند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲ / ۱۱۱)

ب) دکتر سید حسین نصر

مدعی است در هاروارد علی‌رغم فیزیک، زمین‌شناسی را هم خوانده است و دیرینه‌شناسی به نقد زمینه‌های علمی نظریه «تحول انواع داروین» می‌پردازد. وی در مقاله‌ای تحت عنوان «نقد نظریه تکاملی داروین» معتقد است:

نظریه تکامل ستون خیمه مدرنیسم است و اگر این ستون سقوط کند، کل خیمه بر سر مدرنیسم فرو خواهد ریخت. بنابراین به مانند یک ایدئولوژی با آن رفتار می‌شود، نه یک تئوری علمی که به اثبات رسیده است. می‌دانم که بسیاری از مردم اظهارات من در این مورد را نمی‌پذیرند.

وی مدعی است که:

اگر شما استاد زیست‌شناسی در یک دانشگاه به‌خصوص در دنیای انگلوساکسون و کمتر در ایتالیا، آلمان و فرانسه باشید و اگر طبق زمینه‌های کاملاً علمی با نظریه تکامل مخالفت بورزید، فردی مطرود خواهید بود و حتی موفقیت کاری خویش را نیز از دست خواهید داد، همکارانتان شما را ابله می‌پندارند، ارتقای شغلی نمی‌یابید.

وی در این دیدگاه معتقد است که هرگونه کوشش در حیطة فلسفه برای توجیه نظریه داروین خطاست؛ زیرا با این کار «دستان خدا» بسته می‌شود. دومین دلیل وی بر رد نظریه داروین، تمسک به «آفرینندگی» و «محبی» بودن خداوند است؛ بدین معنا که خدا زندگی می‌بخشد و سرمنشأ همه موجودات است و خدای حیات‌بخش نمی‌تواند موجودات را به‌واسطه شرایط محیطی به نابودی و یا به قول وی «غیر موجود» برساند. وی معتقد است که از سه حیث نظریه داروین با رویکرد اسلامی خدشه‌پذیر می‌شود: الف) ویران‌سازی مفهوم علت غایی: بدین معنا که این اندیشه که صور مخلوقات در ورای این عالم طبیعی متبلور می‌شود در علم مدرن بی‌معناست. در رویکرد فلسفه اسلامی صورت‌ها طبق علم و اراده خداوند و نیز مطابق با شرایطی که خدا برای یک جهان وضع کرده متبلور می‌شوند. وی معتقد است جنس این موارد از نوع تکامل مدنظر داروین نیست بلکه از نوع تغییر و حرکت و تبدیل قوه به فعل است نه تبدیل یک گونه به‌گونه دیگر. ب) فروکاستن علیت به سطح افقی که به معنی انکار علیت عمومی و بنابراین رابطه علت و معلولی الهی است. از دیگر نقدهایی که وی وارد می‌کند و نام آن را نقد منطقی می‌گذارد این حقیقت است که چگونه ممکن است چیزی بزرگ‌تر از چیزی کوچک‌تر حاصل آید؟ وی معتقد است که با صرف فروکاست‌گرایی نمی‌توان خلاقیت انسانی را به مولکول و اتم تقلیل داد؛ از دیگر نقدها که وی آن را

«نقد کلامی» می‌نامد این است که متکلمان با تمسک به واقعیت علت الوهی در نظم آفریده‌ها و این امر که قدرت آفرینش‌گرانه تنها به خدا تعلق دارد و نه به ماده - همان‌طور که قرآن هم به‌خوبی این را روشن ساخته است - قادرند دیدگاه زیست‌شناختانه تکامل را به نقد بکشند. از دیگر نقدها «نقد ریاضی» به تئوری داروین است: طبق تئوری اطلاعات ریاضی شما هرگز نمی‌توانید از درون جعبه «الف» چیزی بیش از آنچه که در آن نهاده‌اید خارج سازید. وی معتقد است که بعد از این نقدها باید از «پارادایم مدرن» خارج شد و باید زیست‌شناسی به علمی تبدیل شود که در عین تصدیق شواهد اشکال حیات، سطوح بالاتر وجود را مورد تأیید قرار دهد و این نوع علم است که هم با علیت افقی سازگار است و هم با علیت عمودی. (نصر، ۱۳۸۸: ۹؛ آسوده، ۱۳۹۴: ۱۴۲)

ج) استاد محمدتقی مصباح یزدی

استاد مصباح نظریه تکامل را در حد یک احتمال می‌پذیرند و معتقدند که گزاره «انسان از خاک آفریده شده است» با این ادعا که «انسان در یک سیر تدریجی به میمون و سپس به انسان کاملی تبدیل شد» تناقضی ندارند و قابل جمع‌اند؛ اما وی معتقد است با رجوع به برخی آیات قرآن همچون سوره آل عمران / ۵۹ «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ؛ در واقع مثال عیسی نزد خدا، هم چون مثال آدم است: [که] او را از خاک آفرید» و سوره سجده ۷ و ۸ «... خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ طِينٍ * ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ؛ ... و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد؛ سپس نسل او را از چکیده‌ای از آبی پست قرار داد» شواهدی را می‌یابیم که خلاف این ادعا را تأیید می‌کند. هرچند در وهله اول وی در این نوشتار کسانی را که به هر دلیلی امور ظنی را مورد تطبیق با قرآن قرار می‌دهد نکوهش و در برخی موارد به استهزاء می‌گیرد. (مصباح یزدی، ۱۳۸۹: ۳۴۰ - ۳۳۵)

د) استاد شهید مرتضی مطهری

از جمله متفکرینی است که به‌طور گسترده در باب تعارضات الهیاتی نظریه تکامل به بحث پرداخته است. ما حاصل نظریات وی در این مورد به شرح ذیل است: در ابتدا وی مخاطبین را به یک توهم شکل‌گرفته آگاه می‌کند؛ توهم اینکه «آفرینش» مساوی است با «آنی و دفعی الوجود» بودن اشیا و «تکامل» مساوی با «خالق نداشتن اشیا»؛ در ادامه وی این انگاره را که «لازمه اینکه جهان به‌وسیله خداوند به وجود آمده باشد این است که همه اشیا، ثابت و یکنواخت بوده باشند و تغییری در کائنات، خصوصاً در انواع رخ ندهد» را نادرست دانسته و بر اساس مبانی ملاصدرا در بحث «حرکت» مغایرتی بین حرکت و آفرینش مدام جهان و خلقت الهی نمی‌بیند؛ سپس وی با تذکر به این نکته که علوم، فرضیه‌هایی هستند که دائماً در حال تغییر و اصلاح‌اند می‌گوید:

فرض می‌کنیم آنچه در علوم در این زمینه آمده است بیش از حد فرضیه است و از نظر علوم قطعی است و هم فرض می‌کنیم که ممکن نیست شرایط طبیعی به‌صورتی فراهم شود که ماده مراحل را که در شرایط دیگر طی می‌کند در آن شرایط سریع و تند طی کند و از نظر علم قطعی است که انسان اجداد حیوانی داشته است. آیا ظواهر مذهبی غیرقابل توجیه است؟

پاسخ وی به این پرسش پناه بردن به «نظریه سمبولیک و نمادین» دانستن داستان خلقت آدم است وی می‌گوید:

نتیجه‌ای که قرآن از این داستان می‌گیرد، از نظر خلقت حیرت‌انگیز آدم نیست و در باب خداشناسی از این داستان هیچ‌گونه نتیجه‌گیری نمی‌کند، بلکه قرآن تنها از نظر مقام معنوی انسان و از نظر یک سلسله مسائل اخلاقی، داستان آدم را طرح می‌کند. برای یک نفر معتقد به خدا و قرآن کاملاً ممکن است که ایمان خود را به خدا و قرآن حفظ کند و در عین حال داستان کیفیت خلقت آدم را به‌نحوی توجیه کند. (مطهری، ۱۳۸۶: ۱۰۶ - ۱۰۳)

ه) آیت‌الله علی مشکینی

جزء مدافعین نظریه داروین محسوب می‌شود. وی آیه ۳۰ سوره انبیاء «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ؛ و هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم؟! پس آیا ایمان نمی‌آورند؟!» را دارای دلالت بر نظریه داروین می‌داند؛ نسبت به تعارض میان

آیات مربوط به خلقت انسان با نظریه تحول داروین معتقد است که آیات مربوط به پیدایش انسان دلالت بر نوع انسان می‌کند نه فرد معین یعنی حضرت آدم (مشکینی، بی‌تا: ۸) و در قرآن آیه متضاد با این نظریه وجود ندارد. (همان: ۱۷) این مسئله نه تنها با توحید ناسازگار نیست بلکه دلیلی بر وجود آفریدگاری دانا به‌شمار می‌رود. (همان: ۱۶ - ۱۴) ایشان معتقدند که در تفسیر آیات قرآن باید ابتدا ذهن را از همه عقاید، اقوال و شنیده‌های مختلف خالی کرد تا بتواند برداشتی درست از آیات به دست آورد. (همان: ۱۸) در قرآن هرگز چیزی که مخالف عقل و منطق و قطعیت علمی (از طریق مشاهده و تجربه) باشد، وجود ندارد و اگر موضوعی بدین روش و به‌طور قطع به اثبات رسید مسلماً قرآن، موافق آن است نه متضاد و مغایر آن، ولی اگر بر خلاف واقعیت موضوع گام برداشته باشیم، نهایت امر که نادرست بودن نتیجه تحقیق و اشتباه بودن نظریه معلوم خواهد شد، به خطای خود در این‌گونه برداشت و استفاده از قرآن، نیز پی خواهیم برد. (همان: ۲۵) در این مسئله محمدهادی معرفت از قرآن‌پژوهان معاصر نیز با وی هم نظر است. (رضایی، ۱۳۷۵: ۱۸)^۱

و) آیت‌الله طالقانی

مرحوم طالقانی از یکسو هم اصل نظریه تکامل را می‌پذیرد و بر آیات قرآن انطباق می‌دهد و هم از طرف دیگر انطباق تئوری داروین را بر آیات قرآن نمی‌پذیرد. (خسروپناه، ۱۳۸۸: ۳۶۸) به عبارت دیگر، وی میان نظریه تکامل حقیقی و نظریه تحول انواع داروین تفاوت قائل است و یکی را بر قرآن قابل تطبیق می‌داند و دیگری را خیر؛ تکاملی که بر قرآن قابل انطباق است به صورت جهش است نه حرکت. ایشان معتقدند درباره پیدایش نوع آدم در زمین دو نظر است؛ یکی نظرهای فلسفی قدیم و ظواهر دینی که از این نظر انواع بدون سابقه پدید آمده‌اند و نظر استقرایی دیگر که از فروع فلسفه نشو و ارتقا و تکامل است، پیدایش انواع را از دانی تا عالی به هم پیوسته می‌شمارد و هر نوع پایین را با گذشت زمان و تأثیر محیط، منشأ انواع بالاتری می‌داند. این دو نظر در مقابل هم قرار گرفته که می‌توان میان آن دو جمع کرد؛ به این صورت که میان فواصل تکامل تدریجی جهش‌ها و تکامل‌های ناگهانی پیش آمده است؛ بنابراین هم نظریه تکامل که قرائن بسیاری دارد درست درمی‌آید و هم از زحمت جست و جو بیبوده حلقه‌های وسط محققین راحت می‌شوند. (طالقانی، بی‌تا: ۱ / ۱۱۳)

ز) دکتر یدالله سبحانی

از دیگر افرادی است که در این مطلب حائز دو اثر مهم است: *تکامل و قرآن و خلقت انسان*. وی در این کتاب با تفکیک میان جوانب و ارکان نظریه داروین تلقی اشتباه عالمان دینی از نظریه داروین و نقد بی‌دلیل برخی از ارکان نظریه او را بی‌منا و خالی از نگاه دقیق می‌داند. وی معتقد است: «تئوری داروین، نظریه‌ای در بیان علت مؤثر در تغییر تدریجی انواع است، نه در اصل مسئله خلقت تکاملی آنها» (سحابی، ۱۳۷۵: ۹) و این نظریه فقط منحصر به وی نبوده است و بسیاری همچون «بوپن»، «لامارک» و... بدان معتقد بوده‌اند؛ (همان: ۴) وی معتقد است که نظریه داروین به دو جهت موجب شد که اصل مسئله تکامل جسمی و تدریجی موجودات زنده مورد مخالفت قرار گیرد؛ ۱. به جهت اینکه داروین برای بیشتر موجودات شجره نسلی معین نمود و از جمله بشر را از تحول میمون‌ها ذکر کرد و انسان و میمون را از یک ریشه نسلی دانست و این به نظر مخالفان دین شأن انسان است، ۲. به این جهت که نظریه داروین دستاویز و احیاناً مورد سوء استفاده مادیون برای انکار خالق عالم گردیده لذا مخالفان انکار خالق عالم از سوی مادیون را به حساب نظریه داروین گذاشتند. (همان: ۹) وی تصریح می‌کند که اصل نظریه داروین هنوز در حد فرضیه بوده و به‌هیچ‌وجه قطعی نیست و این نظریه مانند سایر نظریات علمی ایراداتی دارد؛ اما بصرف اینکه نظریه مزبور مورد استناد مادیون واقع شده و به جهت بعضی تلقینات اساطیری راجع به خلقت انسان که در اذهان باقی مانده، اگر مسئله اصلی خلقت تدریجی و تکاملی موجودات زنده را مردود معرفی نمایند، عملی برخلاف منطق عملی و خارج از تصریحات خاص قرآن مجید خواهد بود. (همان: ۱۱) بدین شکل بین مسئله «تکامل» و «نظریه داروین» تفکیک می‌کند:

با این توضیحات مختصری که درباره خلقت و نیز نقد اصل «تبدیل انواع» داروین داده شده، نظر برخی از نویسندگان

۱. همچنین بنگرید به: رضایی اصفهانی، «فرضیه تکامل و قرآن»، مندرج در: *دانشنامه قرآن کریم*، پژوهشگاه علوم و معارف اسلامی اخذ شده از پایگاه اینترنتی <http://www.maarefquran.org>

صحیح نیست. آنها که بعد از فوت مرحوم دکتر سبحانی، در مقالاتی که در بزرگداشت آن مرحوم نوشته‌اند، مسئله «تکامل» را با نظریه «تبدیل انواع» داروین یکی گرفته‌اند. اصولاً دکتر سبحانی و همچنین شادروان مهندس بازرگان، از ناقدان اساسی اصل «تبدیل انواع» داروین بوده‌اند و معتقد بودند این سیر تکاملی، همبستگی و اتصال موجودات در جهان را می‌رساند که جهان، کُل به هم پیوسته و رابطه انسان با طبیعت یک رابطه ناگسستگی است. (بسته‌نگار، ۱۳۹۳: ۹-۶)

ح) علامه محمدتقی جعفری

از جمله اندیشمندانی است که موضوع محل بحث را به دقت مورد بررسی قرار داده و دیدگاه ذیل را برگزیده است. وی بخش بزرگی از کتاب آفرینش و انسان را به بررسی نظریه تکامل اختصاص داده و بر این باور است که دلایل اقامه شده به نفع نظریه تکامل، هرگز قادر نخواهند بود آن را از حد یک فرضیه فراتر ببرند. بخشی از کلام وی در این باره از این قرار است:

استدلالات قائلین به فرضیه تحول، امروزه کم و بیش در دسترس دانش‌پژوهان و دانشوران قرار گرفته است، ولی با نظر به یک یک و مجموع آن استدلالات نتیجه قطعی که از مقدمات علمی محسوس به دست می‌آید اخذ نشده است. (جعفری، بی تا: ۱۰۹)

ط) آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی

ایشان که از مفسران اصلی تفسیر نمونه است در تفسیر نمونه نیز درباره نظریه داروین سخن گفته است. او برای رفع تعارض بین قرآن و علوم جدید از جمله نظریه داروین می‌گوید:

قرآن یک کتاب علوم طبیعی نیست و اگر چیزی از اسرار علوم و حقایق جهان آفرینش در آن باشد، حتماً برای یک هدف تربیتی و اخلاقی و تعلیم درس توحید و خدانشناسی است نه به‌منظور عرضه علوم طبیعی به سبک دائرةالمعارفها. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۷)

ی) آیت‌الله جعفر سبحانی

ایشان نیز ضمن رد دیدگاه مارکسیست‌ها و ماتریالیست‌ها که از نظریه داروین به‌عنوان دلیلی بر انکار خداوند بهره می‌جویند، می‌گوید:

این نظریه هیچ مخالفتی با خدانشناسی ندارد و نظریه اثبات انواع هم از دلایل خداپرستان بر وجود خدا نیست، بلکه نسبت هر دو نظریه به خداپرستی یکسان است. (سبحانی، ۱۳۸۶: ۲۱)

ک) دکتر احد فرامرز قراملکی

وی در اثر خود تحت عنوان موضع علم و دین در خلقت انسان معتقد است که برای برداشتن راه‌حل تعارض ظاهری میان یافته‌های داروین و نظریات الهیاتی، نظریات عالمان و دانشمندان مسلمان را در ۶ طبقه دسته‌بندی کرده است: ۱. نظریه‌هایی که با پذیرش هسته اصلی تئوری تکامل خلقت و با تفسیر آیات قرآنی بر وفق آن تعارض را حل می‌کنند، ۲. نظریه کسانی که با رد و طرد قاطع تئوری تکاملی معارض با آیات قرآنی ناسازگاری یاد شده را از میان برمی‌دارند، ۳. نظریه‌ای که تئوری تکاملی ناسازگار با آیات قرآنی را باطل می‌داند اما در صورت عدم بطلان این تئوری، بر اساس استثنایپذیری علم به رفع تعارض می‌پردازد، ۴. نظریه کسانی که تئوری تکاملی را باطل می‌دانند اما در صورت قطعیت و صحت آن، از طریق تأویل‌پذیری آیات معارض، مشکل را حل می‌کنند؛ این روش مانند روش سوم در واقع ترمیمی است برای روش دوم، ۵. نظریه‌ای که قرآن را مشتمل بر دو دسته آیات می‌داند: آیاتی که از ظاهر آنها می‌توان نظریه خلقت تحولی خلقت را تأیید کرد و آیاتی که در ظاهر خلاف نظریه تحولی خلقت است. باید توجه کرد که صاحبان این نظریه مدعی اشتغال نص آیات بر دو نظریه رقیب و ناسازگار نیستند؛ چراکه چنین ناسازگاری از ساحت قرآن کریم دور است. بلکه سخن در این است که بر اساس ظهور آیات قرآنی هر دو تئوری قابل قبول می‌نماید، ۶. نظریه‌هایی که براساس تفکیک زبانی، امکان رقابت و تعارض نظریه‌ها و تئوری‌های علمی با آیات قرآنی را منتفی می‌نماید. (فرامرز قراملکی، ۱۳۷۳: ۱۶)

ل) دکتر عبدالحسین خسروپناه

ایشان در بحث مستوفایی در کتاب *مسائل جدید کلامی* معتقد است: آیات قرآن بر اصل نظریه تکامل تدریجی دلالت دارند؛ ولی اینکه تبدل انواع از قرآن استفاده می‌شود یا خیر، نیاز به تحقیقات زبان‌شناختی تخصصی دارد. حق مطلب آن است که موافقان و مخالفان تئوری داروین با پیش‌فرض خاصی به سراغ قرآن رفته‌اند؛ زیرا اولاً و بالذات، قرآن درصدد بیان نظریه زیست‌شناختی نبوده است تا مثبت یا نافی فرضیه تبدل انواع باشد. تنها دلالت قرآن بر آفرینش نوع انسان از آدم و حوا و خلقت آدم از خاک است؛ اما در اینکه از مرحله خاک تا آدم، چه مراحل طی شده، قرآن ساکت مانده است. برخی از آیات قرآن، آفرینش حضرت آدم را گزارش می‌دهد و پاره‌ای دیگر از آفرینش نخستین انسان سخن می‌گوید و آیات دیگری نیز پیدایش همه انسان‌ها را توضیح می‌دهد و همه آنها درصدد اثبات قدرت یا خالقیت خداوند متعال یا اثبات امکان معاد هستند و در مقام بیان تکامل یا ثبات انواع و پیدایش یا عدم پیدایش نوع انسان از انواع پست گذشته نیستند. (خسروپناه، ۱۳۸۸: ۳۷۰)

پیش از آنکه روش‌شناسی الهی‌دانان مسلمان در پاسخ به مسئله تکاملی انواع داروین را بررسی کنیم در ذیل سعی کرده‌ایم خلاصه‌ای از نظرات ایشان را در جدول گرد آوریم:

اندیشمندان اسلامی	مدافع، موافق، مخالف	رویکرد	توضیح
علامه سید محمدحسین طباطبایی	مخالف	تفسیری	۱. این نظریه بر خلاف نظر قرآن است، ۲. قوانین علمی به سر حد قطعیت نرسیده‌اند.
استاد مرتضی مطهری	موافق	فلسفی - کلامی	۱. اینکه تصور کنیم «آفرینش» مساوی است با «آبی و دفعی الوجود» بودن اشیا و «تکامل» مساوی «با خالق نداشتن اشیا» تصویری اشتباه است.
استاد محمدتقی مصباح یزدی	مخالف	فلسفی - تفسیری	۱. نظریه تکامل را در حد یک احتمال می‌پذیرند، ۲. معتقدند که گزاره «انسان از خاک آفریده شده است» با این ادعا که «انسان در یک سیر تدریجی به میمون و سپس به انسان کاملی تبدیل شد» تناقضی ندارند، ۳. آیاتی همچون آل عمران / ۵۹ و سجده / ۸ - ۷ خلاف این ادعا را تأیید می‌کند.
دکتر سید حسین نصر	مخالف	فلسفی - کلامی	۱. هرگونه کوشش در حیطه فلسفه برای توجیه نظریه داروین خطاست؛ زیرا با این کار «دستان خدا» بسته می‌شود، ۲. با توجه به صفت «محبی» برای خدا، خدای حیات‌بخش نمی‌تواند موجودات را به‌واسطه شرایط محیطی به نابودی برساند، ۳. ویران‌سازی مفهوم علت غایی، ۴. فروکاستن علیت به سطح افقی که به معنی انکار علیت عمومی، ۵. نقد منطقی: چگونه ممکن است چیزی بزرگ‌تر از چیزی کوچک‌تر حاصل آید؟ ۶. نقد کلامی: قدرت آفرینش‌گرانه تنها به خدا تعلق دارد، ۷. نقد ریاضی: هرگز نمی‌توان از درون جعبه «الف» چیزی بیش از آنچه که در آن نهاده‌اید خارج سازید.
آیت‌الله مشکینی	موافق	تفسیری	۱. در قرآن آیه متضاد با این نظریه وجود ندارد، ۲. آیات مربوط به پیدایش انسان دلالت بر نوع انسان می‌کند نه فرد معین، ۳. در تفسیر آیات قرآن باید ابتدا ذهن را از همه عقاید خالی کرد، ۴. در قرآن هرگز چیزی که مخالف عقل و منطق باشد وجود ندارد اگر موضوعی به‌طور قطع به اثبات رسید مسلماً قرآن، موافق آن است نه متضاد و مغایر آن.

اندیشمندان اسلامی	مدافع، موافق، مخالف	رویکرد	توضیح
آیت‌الله طالقانی	موافق	تفسیری	قائل به جمع میان دو نظریه به این صورت که میان فواصل تکامل تدریجی جهش‌ها و تکامل‌های ناگهانی پیش آمده است.
آیت‌الله سبحانی	موافق	تفسیری	این نظریه هیچ مخالفتی با خداشناسی ندارد.
آیت‌الله مکارم شیرازی	به نحوی موافق	تفسیری	قرآن یک کتاب علوم طبیعی نیست.
علامه جعفری	مخالف	تفسیری	دلایل اقامه شده به نفع نظریه تکامل، هرگز قادر نخواهند بود آن را از حد یک فرضیه فراتر ببرند.
دکتر یدالله سبحانی	موافق	علمی	۱. بین مسئله «تکامل» و «نظریه داروین» تفکیک قائل می‌شود، ۲. معتقد است اصل نظریه داروین هنوز در حد فرضیه بوده و این نظریه مانند سایر نظریات علمی ایراداتی دارد اما به صرف اینکه نظریه مزبور مورد استناد مادیون واقع شده و به جهت بعضی تلقینات اساطیری راجع به خلقت انسان که در اذهان باقی مانده، انکار آن، عملی برخلاف منطق عملی و خارج از تصریحات خاص قرآن مجید خواهد بود.
دکتر احد فرامرز قراملکی	موافق	زبان‌شناختی	برای برداشتن راه حل تعارض ظاهری میان یافته‌های داروین و نظریات الهیاتی، نظریات عالمان و دانشمندان مسلمان را در ۶ طبقه دسته‌بندی کرده است.
دکتر عبدالحسین خسروپناه	موافق	کلامی	اینکه تبدل انواع از قرآن استفاده می‌شود یا خیر، نیاز به تحقیقات زبان‌شناختی تخصصی دارد.

بررسی و جمع‌بندی

پس از ارائه نظرات اجمالی این الهی‌دانان و استدلال‌های اصلی ایشان در این باب، براساس ۲ روش‌شناسی موجود (باربور - قراملکی) به بررسی این نظریات خواهیم پرداخت. سپس سعی کرده‌ایم در یک کار پژوهشی نو، ساختار جدید برای روش‌شناسی این نظریات پیشنهاد بدهیم و بر اساس «روش‌شناسی بنیادین» روش‌های موجود در این پاسخ‌ها را به نظاره و بررسی بنشانییم و تمایزات و اشتراکات آنها را دریابیم.

۱. الگوی ایان باربور در روش‌شناسی نظریات حول مسئله تکامل

به‌طور کلی ایان باربور (۲۰۱۳ - ۱۹۲۳) در خصوص مسئله علم و دین و روش‌شناسی نظریات پیرامون این دو، الگویی را پیشنهاد داده است که بسیاری از کتاب‌های آتی در فلسفه دین در این باب تحت تأثیر این روش‌شناسی قرار گرفته‌اند؛ (به‌طور مثال بنگرید به: «علم و دین از تعارض تا گفتگو»، جان اف‌هات، ۱۳۹۳: ۳۲، نشر طه؛ عبدالحسین خسروپناه، مسائل جدید کلامی؛ مایکل پترسون، ۱۳۸۹، عقل و اعتقاد دینی، ص ۳۵۸؛ جعفر سبحانی و محمد محمدرضایی، ۱۳۹۴: ۱۱۴)؛ الگوی وی ناظر به این روش‌شناسی تقسیم روش‌ها به ۴ ساحت است. به نظر وی نظریات موجود در رابطه علم و دین به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۱. **تعارض:** برخی از الهی‌دانان در پاسخ به مسئله تحول انواع داروین، میان این گزاره که «موجودات از یک منشأ واحد و بر اساس نظریه تحول انواع بر اساس انتخاب طبیعی و حرکت به موجودات دیگر تبدیل شده است» با حداقل دو گزاره در الهیات از جمله: «این خداوند است که موجودات را خلق کرده است» و «انسان اشرف موجودات عالم است» متعارض دیده‌اند، از این‌رو زبان استدلال ایشان، ادبیات ورود به بحث تعارض و یا تراجم است؛ در این چارچوب تصویری، طرف مقابل نفی می‌شود و برای اثبات این مطلب به ترجیحات بین دو نظریه پرداخته می‌شود. به نظر می‌آید بر اساس این قالب، متفکرانی همچون علامه طباطبایی، دکتر سید حسین نصر و علامه جعفری قائل به تعارض در این مسئله بوده‌اند، از این‌رو سعی کرده‌اند که نظریه داروین را با مرجحاتی و براهینی رد نمایند.

۲. استقلال: بر اساس این روش، علم و دین دو رویکرد مستقل در حوزه علوم هستند و هر کدام راه خود را می‌پیمایند و تعارض با یکدیگر پیدا نمی‌کنند. اساساً دو حوزه مستقلی هستند که نه تقابلی با هم دارند و نه حتی شاید نقطه گفتگویی؛ این قول را باربور «استقلال» می‌نامد. به نظر می‌آید از متفکرین اسلامی که بدین مسئله پرداخته‌اند آیت‌الله مکارم شیرازی از قائلین به نظریه استقلال محسوب شود.

۳. گفتگو: این عنوان وجه جامعی است که نظریاتی را در بر می‌گیرد که میان علم و دین ارتباط‌هایی قائل‌اند اما این‌گونه نیست که مانند قول چهارم، میان این دو همسانی و یکپارچگی قائل باشند. به نظر می‌آید اکثر الهی‌دانان مسلمان، در این دسته جای گرفته‌اند. از این جمله می‌توان: آیت‌الله سبحانی، دکتر خسروپناه، شهید مطهری، آیت‌الله طالقانی، دکتر سبحانی، آیت‌الله مصباح یزدی و دکتر احد فرامرزی قراملکی را نام برد.

۴. وحدت: بر اساس این دیدگاه نوعی همسانی، مشارکت و یکپارچگی در میان نظریات علمی و دینی تصویر می‌شود. به نظر می‌آید نظر «آیت‌الله مشکینی» در این دسته جمع‌بندی شود. در ذیل سعی شده است تعداد فراوانی و اسامی این افراد در جدول نمایش داده شود:

ردیف	عنوان کلان روش	تعداد متفکر	اسامی
۱	تعارض	۳	علامه طباطبایی دکتر نصر علامه جعفری
۲	استقلال	۱	آیت‌الله مکارم شیرازی
۳	گفتگو	۷	آیت‌الله سبحانی دکتر خسروپناه شهید مطهری طالقانی دکتر سبحانی استاد مصباح دکتر قراملکی
۴	وحدت	۱	آیت‌الله مشکینی

به نظر می‌آید در روش‌شناسی باربور اولاً، جامعیتی دیده نمی‌شود و تنها از یک زاویه به مسئله پرداخته است؛ ثانیاً، در این روش وجه مخالفت‌ها و موافقت‌ها دیده نمی‌شود، به این معنا که بر این فرض، ۷ متفکر در نقطه نظر «گفتگو» قرار می‌گیرند، اما برخی از آنها موافق‌اند و برخی مخالف؛ نه تنها موافقین و مخالفین در دیدگاه گفتگو شناخته نمی‌شوند بلکه وجه مخالفت ایشان نیز شناخته نمی‌شود.

۲. الگوی دکتر قراملکی در روش‌شناسی نظریات حول مسئله تکامل

همان‌طور که گذشت، دکتر قراملکی نظریات عالمان و دانشمندان مسلمان را در ۶ طبقه دسته‌بندی کرده است. این تحلیل و روش‌شناسی به شکلی مناسبت‌یابی میان علم و دین بوده است. اساس وی در این تقسیم‌بندی بر «نظریه تفسیر متن»^۱ مبتنی است. اساساً وجه تمایز‌گذاری و حد وسط این تقسیم روش‌ها را نحوه تفسیر و تأویل این نظریات مشخص کرده‌اند، بر اساس این تلقی می‌توان نظریات الهی‌دانان مسلمان را در طبقه‌بندی ذیل دسته‌بندی کرد:

ردیف	عناوین محورها	تعداد متفکر	اسامی
۱	نظریه‌هایی که با پذیرش هسته اصلی تئوری تکامل خلقت و با تفسیر آیات قرآنی بر وفق آن تعارض را حل می‌کنند.	۲	دکتر سبحانی آیت‌الله طالقانی

1. A Theory Of Text Interpretation.

ردیف	عناوین محورها	تعداد متفکر	اسامی
۲	نظریه کسانی که با رد و طرد قاطع تئوری تکاملی معارض با آیات قرآنی ناسازگاری یاد شده را از میان برمی‌دارند.	۲	علامه طباطبایی دکتر سید حسین نصر
۳	نظریه‌ای که تئوری تکاملی ناسازگار با آیات قرآنی را باطل می‌داند اما در صورت عدم بطلان این تئوری، بر اساس استثناء‌پذیری علم به رفع تعارض می‌پردازد.	۲	آیت‌الله مکارم شیرازی آیت‌الله جعفر سبحانی
۴	نظریه کسانی که تئوری تکاملی را باطل می‌دانند اما در صورت قطعیت و صحت آن، از طریق تأویل‌پذیری آیات معارض، مشکل را حل می‌کنند.	۱	آیت‌الله مصباح یزدی
۵	بر اساس ظاهر قرآنی هر دو تئوری قابل تطبیق‌اند.	۲	دکتر خسروپناه آیت‌الله مشکینی
۶	نظریه‌هایی که بر اساس تفکیک زبانی، امکان رقابت و تعارض نظریه‌ها و تئوری‌های علمی با آیات قرآنی را منتفی می‌نماید.	۲	شهید مطهری دکتر قراملکی

به نظر می‌آید تک بعدی بودن و عدم جامعیت در روش دکتر قراملکی نیز به وضوح دیده می‌شود. وجه تقسیم ایشان نیز در تقسیم‌بندی این نظریات مباحث تأویلی، تفسیری و معناشناسانه است و هرچند روش جدیدی در تقسیم‌بندی است اما از جامعیت برخوردار نیست.

این مسئله که نظریات حول محور تکامل از دیدگاه الهیون مسلمان چگونه تعارضشان حل شده است، چند پیش‌فرض در خود دارد که به نظر می‌آید روش‌شناس باید به دلیل احراز از این پیش‌فرض‌ها به روش‌شناسی بنیادین روی بیاورد. از جمله این پیش‌فرض‌ها می‌توان به مسائل ذیل اشاره کرد:

رویکرد الهیون به این مسئله رویکرد پاسخ‌گویی و مدافعانه تلقی شده است؛ از این رو تمام هم‌دکتر قراملکی در نحوه رفع ناسازگاری است.

دال مرکزی و وجه تقسیم این نظریات، رفع ناسازگاری بوده است؛ از این رو به وجوه مخالفت از زاویه دید تطبیق آیات قرآنی پرداخته شده است.

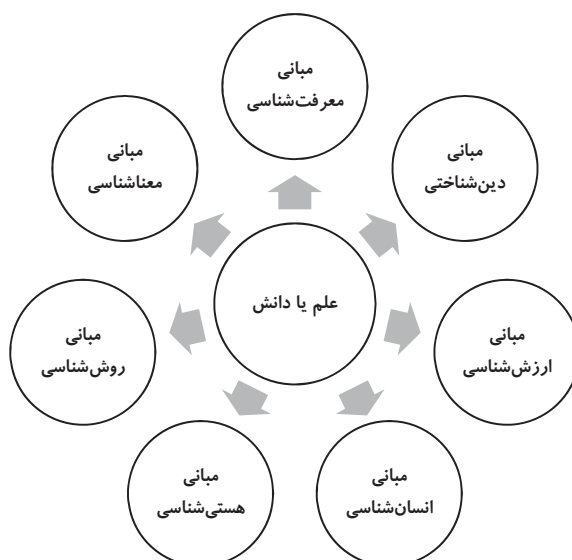
بیشترین وجهی که در این روش‌شناسی مورد بحث واقع شده است، روش‌های معناشناسانه است که یکی از وجوه روش‌شناسی بنیادین محسوب می‌شود.

۳. الگوی «روش‌شناسی بنیادین» در روش‌شناسی نظریات حول مسئله تکامل

همان‌گونه که دو نوع روش داریم دو نوع روش‌شناسی متفاوت نیز خواهیم داشت: روش‌شناسی کاربردی و روش‌شناسی بنیادین. «روش‌شناسی کاربردی» به روش پژوهش عملیاتی اشاره دارد که محقق در فرآیند تحقیق، برای رسیدن به نتیجه از آنها بهره می‌گیرد و «روش‌شناسی بنیادین» مربوط به شناخت شرایط کاربرد یک روش در ارتباط با یک نظریه است. روش‌شناسی بنیادین، به‌عنوان یک علم، ارتباط واقعی بین مبادی بنیادین و نظریه و روش کاربردی را تبیین می‌کند. (ر.ک: پارسانیا، ۱۳۹۲: ۷۷ - ۷۵)

نگارندگان بر اساس یک نظریه واقع‌گرایانه معتقداند: مبادی هستی‌شناختی، روش‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی، انسان‌شناختی، دین‌شناختی و معناشناختی در شکل‌گیری یک علم تأثیر بسزایی دارند. بر این مبنای مراحل شکل‌گیری یک علم به این صورت است که ابتدا مبادی و اصول موضوعه اتخاذ می‌شود، سپس یک چارچوب کلی براساس مبادی اولیه ایجاد می‌شود که به آن «روش بنیادین» می‌گویند. از این چارچوب کلی، مکاتب و گرایش‌ها به وجود می‌آیند و این مکاتب نظریه‌های همسو با خود را ایجاد می‌کنند. هم‌جهت با این نظریه‌ها، روش‌های کاربردی، متناسب با آنها شکل می‌گیرد. ارتباط این سطوح مختلف فرآیند شکل‌گیری علم، متناسب با یکدیگر شکل گرفته است و اگر یکی از این سطوح با دیگر سطوح تناسب نداشته باشد قابلیت نقد روش‌شناختی خواهد داشت. با این سازوکار مبادی در روش نیز تأثیرگذار خواهند بود.

۱. مراد از «مبانی» در پژوهش مذکور واژه‌ای است اعم از «مبانی»، «اصول» و «لوازم» که در دقت فلسفی از یکدیگر متمایزاند اما در تحقیقات علمی معمولاً تحت یک عنوان به کار برده می‌شوند. از این رو در این پژوهش مبانی را در موارد ذیل مورد بحث و بررسی قرار داده‌ایم.



روش‌شناسی بنیادین در معنای هم‌تراز خود در غرب مساوی با واژه «سیستم‌الوژی»^۱ است. در سیستم‌الوژی و نظام‌شناسی است که طراحی^۲ در سیستم‌های فکری اتفاق خواهد افتاد. (عبدی، ۱۳۹۶: ۳۱۰؛ فردانش، ۱۳۸۷: ۱۳۱ - ۱۰۶؛ فریدی زاد، ۱۳۹۶: ۱۲۰ - ۱۰۹؛ اقبالیان علی، ۱۳۹۵: ۱۸۰ - ۱۵۱) از این رو می‌توان حتی قبل از ورود به دانش از ظرفیت‌های این روش‌شناسی استفاده کرد، شاید ترجمان دیگر «روش‌شناسی بنیادین» عباراتی همچون: عبارت «مهندسی کردن» (جمالی، بی‌تا: ۲)، «تدوین الگوی جامع» (سبحانی، ۱۳۸۷: ۹۳)، «تبیین پیش‌ران‌ها»، «مفهوم‌پردازی نظام اسلامی» (تابان، ۱۳۹۵: ۳۲ - ۱۰)، «مدل مفهومی» (بزدانی، ۱۳۹۵: ۴۴) «چارچوب» (ارجمندنژاد، ۱۳۹۲: ۱۲۴ - ۹۹) و «الگوریتم» (دعایی، ۱۳۹۱: ۱۲) باشد که در گفتار برخی از نظریه‌پردازان ذکر شده است.

از ویژگی‌های مهم این روش‌شناسی می‌توان به «جامعیت»، «شفافیت»، «دوری از تأویل‌گرایی»، «دوری از تقلیل‌گرایی»^۳ و زمینه‌سازی برای ایجاد یک «سیستم شناخت» و «پیش‌بینی جهت شناخت و تولید علم» دست پیدا کرد. اگر مندلیف در دنیای شیمی و علوم پایه توانست جدولی از عناصر را بدون اینکه به بوته آزمایش بگذارد کشف کند، در روش‌شناسی بنیادین نیز می‌توان علم را اولاً شناخت، ثانیاً نقاط ضعف و کمبودهای اساسی آن را کشف کرد و ثالثاً آینده این علم را حدس زد و طراحی کرد. این مسئله خود می‌تواند حتی فضای آموزش و تعلیم روش‌شناسی‌های انتقادی در فلسفه و دانش‌های انسانی را تسهیل نماید.

این مسئله که در روش‌شناسی بنیادین و ارتباط آن با روش کاربردی - که روش علم است - چه ارتباطی وجود دارد و اینکه در ذیل هر کدام از مبانی، چه مسائلی مطرح می‌شود خود نیاز به مقالی جداگانه دارد، اما می‌توان به‌طور خلاصه نظام مسائل، ذیل هر مبانی را به شکل زیر ترسیم کرد:

مبانی معناشناسی از جمله: چیستی، تعریف، حد منطقی و فلسفی، تعیین مرزهای فکری، نظام‌های تفسیری [زبان‌شناسی، فلسفه تحلیلی زبان، هرمنوتیک و فلسفه قاره‌ای]، طراحی در سیستم‌های فکری چگونه اتفاق می‌افتد؟ پیامدها و بازخورها در سیستم‌های فکری چگونه‌اند؟ قرائت‌های مختلف از دین و سیستم‌های علمی چگونه بررسی می‌شوند؟

مبانی روش‌شناختی از جمله: نسبت علم با تعدد یا تفرد روش، روش‌های فلسفی و به‌کارگیری آن در تحلیل نظریات علمی، نسبت روش‌های معناشناسی و زبان‌شناسی با علم، نسبت روش‌های فلسفه تحلیلی زبان و علم، نسبت میان

1. Systematology.
2. Design.
3. Reductionism.

روش‌های قاره‌ای و هرمنوتیکی و سنت تفسیری در علم، نسبت روش‌های پراگماتیستی و پدیدارشناسی در شناخت علم، تکثر روش‌شناختی، واقع‌گرایی روش‌شناختی، روش‌شناسی ترکیبی در علوم، عنصر میان‌رشته‌ای بودن روش‌ها در علوم. مبانی هستی‌شناختی از جمله: نسبت نظام فکری و رئالیسم هستی‌شناختی چیست؟ محیط سیستم‌های فکری چگونه است؟ ارتباط میان وجود خارجی و وجود ذهنی سیستم‌های فکری چیست؟ نسبت میان پدیدارسیستم و حقیقت آن در خارج چیست؟ آیا پیامدها و بازخورهای یک سیستم فکری واقعی است؟ (گذری به بحث علت غایی و حقیقت آن به جهت فلسفی)، تطبیق اصول اساسی هستی‌شناختی فلسفی بر نظریات علمی، اصولی همچون اصالت، وحدت و تشکیک وجود در سیستم‌های علمی و فکری.

مبانی معرفت‌شناختی از جمله: ترابط میان معرفت عالم و طراح سیستم‌های علمی و فکری چیست؟ مبانی یا پیش‌فرض‌های ذهنی طراح چه تأثیری در طراحی یک نظام فکری دارند؟ چه ارتباطی میان قصد عالم و سیستم وجود دارد؟ آیا شناخت سیستم‌های امری ممکن است؟ فرآیندها و مکانیسم‌های طراحی در این دانش به چه صورت است؟ منابع شناخت در این علوم چیست؟ صدق این علوم و سیستم‌های فکری به چیست؟ نسبت میان این نظام‌های فکری و رئالیسم معرفت‌شناختی چیست؟ ارزش و معیار معرفت در شناخت‌شناسی علوم به چه ملاکی انجام می‌شود؟ موانع احتمالی معرفت و شناخت چیستند؟ مفاهیم حقیقی و غیر حقیقی در علوم و سیستم‌های فکری چگونه ساخته می‌شوند؟ مفاهیم فلسفی و منطقی و معقولات ثانیه چگونه در مواجهه با سیستم‌های فکری شکل می‌گیرند؟ نسبت میان ملاک‌هایی همچون سازگاری و انسجام در سیستم‌های فکری چگونه است؟ صدق در سیستم‌های فکری چه نسبتی با نظریه مطابقت پیدا می‌کند؟ نگاه درجه یک و درجه دو به سیستم‌های فکری چه لوازمی را در پی دارد؟

مبانی ارزش‌شناختی از جمله: نسبت میان سامانه‌های اخلاقی منسجم با سیستم‌های فکری چیست؟ اخلاق پژوهش در سیستم‌الوژی به چه صورت است؟ ارتباط نظریات غایت‌گرایانه، فضیلت‌محور، وظیفه‌گرایانه و حق‌محور با اخلاق شناخت سیستم‌ها چیست؟ اصول مبنایی اخلاقی و ارتباط آن با سیستم‌های فکری چیست؟ قواعد عام اخلاقی چه ارتباطی با کلیت دانش برقرار می‌کنند، احکام اخلاقی در شناخت سیستم‌ها به چه صورت است؟ عوامل انگیزشی و بیان ضمانت اجرا در سامانه‌های فکری چگونه رخ می‌دهد؟ نظریه توجیه چگونه در سیستم‌شناسی‌ها رخ می‌دهد؟ نقش عامل اخلاقی در کشف و تولید سیستم‌های فکری چیست؟ آیا اجزای یک سیستم شأن اخلاقی دارند؟ دایره تکالیف اخلاقی در سیستم‌های فکری تا کجاست؟ نسبت میان اخلاق توصیفی، هنجاری، کاربردی و حرفه‌ای در بحث سیستم‌شناسی چیست؟ چالش‌های جدید اخلاقی در علم و سیستم‌الوژی چگونه مؤثر است؟

مبانی دین‌شناختی از جمله: مبانی دینی سیستم‌الوژی چیست؟ نسبت میان دین و تفکرات شبکه‌ای چیست؟ دین جامع و ارتباط آن با سیستم‌الوژی چگونه است؟ نسبت میان مسئله رستگاری و سیستم‌الوژی چیست؟ مفهوم خدا چه اثری بر رویکرد ما نسبت به علوم و سیستم‌های فکری دارد؟ راستی‌آزمایی تفکرات دینی و شناخت سیستم‌ها به چه صورت است؟ کل‌گرایی در ادیان و بررسی شناخت‌شناسانه تک تک گزاره‌ها چگونه سامان می‌یابد؟ آیا وحی و الهام مذهبی می‌تواند به‌عنوان منبعی برای سیستم‌الوژی در نظر گرفته شود؟ اعمال، حالات و رفتارها و تجارب دینی چه تأثیری بر شناخت نظام‌شناسی‌ها دارد؟ تأثیر گناه بر شناخت سیستم‌های فکری چگونه است؟ حقیقت معاد و آخرت‌اندیشی چه تأثیری بر نگرش طراحان یک نظام می‌تواند داشته باشد؟

مبانی انسان‌شناختی از جمله: انسان‌شناسی مدرن و سنتی چه جایگاهی در شناخت سیستم‌های فکری دارند؟ خودفراموشی و جایگاه آن در شناخت علوم چیست؟ تفاوت میان انسان الهی و مادی در طراحی و شکل‌دهی به سیستم‌های فکری چگونه است؟ آیا به تفاوت مراتب و درجات انسان، سیستم‌های فکری دچار قبض و بسط می‌شوند؟ نسبت میان وابستگی وجودی انسان و طراحی سیستم‌های فکری چیست؟ نسبت میان ساختار تمایلات و توانایی‌های انسان و سیستم‌شناسی‌های فکری چیست؟ آیا قائل شدن به کرامت انسانی در علوم تأثیری در شناخت سیستم‌ها دارد؟ نسبت میان انسان‌شناسی تجربی، عرفانی، فلسفی و دینی با تفکرات سیستمی به چه صورت است؟ معنای زندگی و سبک زندگی انسان چه نسبت‌هایی با شناخت سیستم‌ها برقرار می‌کنند؟ آزادی و اختیار و یا جبر چه تأثیری بر شناخت می‌گذارد؟ مفهوم کمال و معیار انسانی در نگاه سیستم‌شناسانه چه مقدار مؤثر است؟

لذا پیشنهاد می‌شود که در بررسی نظریات الهی‌دانان مسلمان در باب مسئله تحول انواع، از این نوع روش‌شناسی استفاده لازم صورت پذیرد. در ذیل سعی کرده‌ایم به‌طور بسیار خلاصه این نوع روش‌شناسی را پیاده کنیم و نشان دهیم که چند نفر از ایشان این مبانی را به‌کار بسته‌اند. ذکر این نکته لازم است که در این روش‌شناسی به‌اهم استدلال‌ات و نظریات مطرح شده پرداختیم؛ مثلاً از این بحث کرده‌ایم که جنس استدلال‌های مطرح شده در این دو دیدگاه چه بوده است؟ آیا پاسخ به این مسئله دینی، با حد وسط هستی‌شناختی بوده است یا روش‌شناختی یا تمسک به آیات قرآنی و متون و منابع دینی و ...؛ در ذیل سعی کرده‌ایم این حد وسط‌ها را ذکر نماییم.

ردیف	متفکران	معناشناسی		هستی‌شناختی		روش‌شناسی		معرفت‌شناسی		دین‌شناسی		ارزش‌شناسی		انسان‌شناسی		جمع کل
		مؤلف	مخالف	مؤلف	مخالف	مؤلف	مخالف	مؤلف	مخالف	مؤلف	مخالف	مؤلف	مخالف	مؤلف	مخالف	
۱	علامه طباطبایی	<input checked="" type="checkbox"/>		<input checked="" type="checkbox"/>		<input checked="" type="checkbox"/>									<input checked="" type="checkbox"/>	۴
۲	شهید مطهری		<input checked="" type="checkbox"/>	<input checked="" type="checkbox"/>		<input checked="" type="checkbox"/>				<input checked="" type="checkbox"/>						۴
۳	مصباح یزدی		<input checked="" type="checkbox"/>			<input checked="" type="checkbox"/>				<input checked="" type="checkbox"/>						۳
۴	سید حسین نصر			<input checked="" type="checkbox"/>		<input checked="" type="checkbox"/>				<input checked="" type="checkbox"/>			<input checked="" type="checkbox"/>		<input checked="" type="checkbox"/>	۵
۵	علی مشکینی		<input checked="" type="checkbox"/>			<input checked="" type="checkbox"/>				<input checked="" type="checkbox"/>						۳
۶	محمود طالقانی	<input checked="" type="checkbox"/>		<input checked="" type="checkbox"/>											<input checked="" type="checkbox"/>	۲
۷	جعفر سبحانی					<input checked="" type="checkbox"/>										۱
۸	ناصر مکارم شیرازی					<input checked="" type="checkbox"/>										۱
۹	علامه جعفری					<input checked="" type="checkbox"/>										۱
۱۰	یدالله سبحانی		<input checked="" type="checkbox"/>			<input checked="" type="checkbox"/>				<input checked="" type="checkbox"/>						۳
۱۱	احد فرامرزی قراملکی		<input checked="" type="checkbox"/>													۱
۱۲	عبدالحسین خسروپناه	<input checked="" type="checkbox"/>		<input checked="" type="checkbox"/>						<input checked="" type="checkbox"/>						۳
جمع کل		۴	۴	۴	۱	۵	۴	۰	۰	۵	۱	۰	۱	۲	۱	

نتیجه

ما حاصل بحث مذکور را می‌توان بدین‌گونه خلاصه و جمع‌بندی کرد:

ویژگی مهم روش‌شناسی بنیادین «جامع‌نگری»، «شفافیت»، «دوری از تأویل‌گرایی»، «دوری از تقلیل‌گرایی» و زمینه‌سازی برای ایجاد یک «سیستم شناخت» و «پیش‌بینی جهت شناخت و تولید علم» می‌توان اشاره کرد. این ظرفیت در دیگر روش‌شناسی‌ها وجود ندارد. ازجمله کارکردهای این روش جایگذاری مبانی الهیاتی به‌جای مبانی الحادی در نظریه داروین است؛ با تکیه بر این روش‌شناسی بنیادین و جامع بوده است که نگارندگان سعی کرده‌اند در پژوهش مستقلی که در این زمینه انجام داده‌اند (بهار، ۱۳۹۷: ۹۲) مشخص کنند که می‌توان بر اساس انگاره‌های فلسفه علمی و به دلیل جلوگیری از بار ضد الهیاتی این نظریه که عموماً توسط خلف داروین همچون داو کینز انجام شده است به مقابله برخاست؛ بر اساس این روش، نظریه داروین از مبانی ماتریالیستی هستی‌شناختی جدا و در زمینه^۱ فلسفی حکمت متعالیه قرار گرفته است.

1. context.

بر اساس این جایگذاری، بسیاری از لوازم الهیاتی نظریه داروین که ممکن بود به الحاد بگراید، به کلی رفع شده است. البته نگارندگان در زمینه تطبیق مبانی ارزش‌شناختی که امروزه تحت عنوان «اخلاق تکاملی» مطرح شده است این دو نظریه را با توجه به این تقریر فعلی، ناسازگار دانسته‌اند، اما دیگر مبانی و لوازم به شکل بسیار نزدیکی، بر یکدیگر تطبیق یافته‌اند. این تکیه بر چند وجهی بودن این روش‌شناسی بوده است که می‌تواند چنین تقریب شگفتی در علم را رقم بزند؛ این امتیاز می‌تواند یکی از بهترین مؤیدات برای این نوع روش‌شناسی باشد.

علی‌رغم طراحی صورت گرفته که در فوق بدان اشاره شد، این روش ما را توانمند می‌کند که الهی‌دانانی را که در این مسئله به اظهارنظر پرداخته‌اند مورد بحث انتقادی قرار دهیم؛ در جدول بالا سعی شد این عدم جامعیت در بررسی مورد توجه جدی قرار گیرد. هیچ کدام از این الهی‌دانان جامعیت روشی مد نظر روش‌شناسی بنیادین را نداشته‌اند. از این رو به لوازم بعدی همچون تقلیل‌گرایی و تأویل‌گرایی دچار شده‌اند. همچنین می‌توان به این نکته نیز اشاره کرد که از حیث پرداختن به مبانی نیز متفکران به همه مسائل ذیل آن مبنا نپرداخته‌اند و از این رو نیز می‌توان به صورت انتقادی روش ایشان را نقد کرد.

منابع و مأخذ

۱. آسوده، اسحاق، ۱۳۹۴، «تحلیل نظریه تکامل و بررسی پیامدهای آن از منظر سید حسین نصر»، پژوهش‌های فلسفی کلامی، ش ۶۵، قم، دانشگاه قم، ص ۱۵۵ - ۱۳۱.
۲. ارجمندزاد، عبدالمهدی، ۱۳۸۵، چارچوبی برای نظام‌های کنترل داخلی در واحدهای بانکی، تهران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
۳. اف. هات، جان، ۱۳۹۳، علم و دین از تعارض تا گفتگو، ترجمه بتول نجفی، قم، طه.
۴. اقبالان علی، آذر عادل، ۱۳۹۵، «طراحی سطح کلان نظام مدیریت فرهنگ اسلامی با رویکرد روش‌شناسی سیستم‌های نرم»، اندیشه مدیریت راهبردی، ش ۱، تهران، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ص ۱۸۰ - ۱۵۱.
۵. باربور، ایان، ۱۳۹۲، دین و علم، ترجمه پیروز فطورچی، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۶. باولر، پیتر، ۱۳۸۰، چارلز داروین و میراث او، ترجمه حسن افشار، تهران، نشر مرکز.
۷. بسته‌نگار، محمد، ۱۳۹۳، «ویژه‌نامه رحلت دکتر سبحانی»، روزنامه شرق، ش ۱۹۸۸، ص ۹ - ۶.
۸. پارسا، حمید و محمد طالع اردکانی، ۱۳۹۲، «روش‌شناسی بنیادین و روش‌شناسی کاربردی در علوم اجتماعی با تأکید بر رویکرد رئالیسم و نومیالیسم»، معرفت فرهنگی اجتماعی، ش ۱۴، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ص ۹۶ - ۷۳.
۹. پترسون، مایکل، ۱۳۸۹، عقل و اعتقاد دینی، ترجمه احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران، طرح نو.
۱۰. تابان، محمد و همکاران، ۱۳۹۵، «مفهوم‌پردازی نظام اسلامی با رویکرد اسلامی در آموزش عالی»، مجله علوم انسانی، ش ۱۹، قم، بی‌جا.
۱۱. جعفری، محمدتقی، بی‌تا، آفرینش و انسان، قم، دار التبلیغ.
۱۲. جمالی، مصطفی، بی‌تا، مهندسی تمدن اسلامی و مسجد محوری، بی‌جا، مرکز رسیدگی به امور مساجد.
۱۳. خسروپناه، عبدالحسین، ۱۳۸۸، مسائل جدید کلامی و فلسفه دین، ج ۳، قم، نشر المصطفی.
۱۴. دعایی، محمود، ۱۳۹۱، سخنرانی: الگوریتم اجتهاد جوهری روش تولید علوم انسانی اسلامی است، مشهد، مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلامی.
۱۵. رضایی، محمدعلی، ۱۳۷۵، تفسیر علمی قرآن، تهران، اسوه.
۱۶. سبحانی، جعفر، ۱۳۸۶، داروین‌سیسم، قم، مؤسسه امام صادق علیه‌السلام.
۱۷. سبحانی، محمدتقی، ۱۳۸۷، «حکومت اسلامی و ضرورت تدوین الگوهای جامع (با تطبیق بر حوزه زنان)»، حکومت اسلامی، ش ۲، قم، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، ص ۱۲۳ - ۹۳.
۱۸. سبحانی، یدالله، ۱۳۷۵، خلقت انسان، بی‌جا، شرکت سهامی انتشار.
۱۹. طالقانی، سید محمود، بی‌تا، پرتویی از قرآن، ج ۱، بی‌جا، بی‌نا.
۲۰. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۲۱. عبدی، محمدرضا و همکاران، ۱۳۹۶، «طراحی الگوی بهینه مدیریت دانش برای دستگاه‌های نظارتی در ایران»، دانش حسابرسی، ش ۶۹، تهران، دیوان محاسبات کشور، ص ۳۲۸ - ۳۰۹.

۲۲. فرامرز قراملکی، احد، ۱۳۷۳، *موضع علم و دین در خلقت انسان*، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه.
۲۳. فردانش، هاشم و مرتضی کرمی، ۱۳۸۷، «شناسایی الگوی طراحی آموزشی مطلوب برای آموزش‌های صنعتی»، *فصلنامه مطالعات برنامه درسی*، ش ۸، تهران، انجمن مطالعات درسی ایران، ص ۱۳۱ - ۱۰۶.
۲۴. فریدی‌زاده، امیر مسعود و حسن رضوان، ۱۳۹۶، «هدایت فرایند طراحی محصول از طریق نظام فرایندی چکیده»، *نظریه هنرهای زیبا - هنرهای تجسمی*، ش ۳، تهران، دانشگاه تهران، ص ۱۲۰ - ۱۰۹.
۲۵. محمدرضایی، محمد و جعفر سبحانی، ۱۳۹۴، *اندیشه اسلامی*، ج ۲، تهران، نشر معارف.
۲۶. مشکینی اردبیلی، علی، بی‌تا، *تکامل در قرآن*، ترجمه حسین نژاد، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۹، *انسان‌شناسی*، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۲۸. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۶، *علل گرایش به مادی‌گری*، تهران، صدرا.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۰. نصر، سید حسین، ۱۳۸۸، «نقد نظریه تکامل داروین»، *رشد آموزش معارف اسلامی*، ش ۷۲، تهران، وزارت آموزش و پرورش، ص ۱۱ - ۵.
۳۱. یزدانی، بیتا، ۱۳۹۵، «ارائه مدل مفهومی به کارگیری تئوری اقتضایی در پیاده‌سازی مدیریت کیفیت جامع»، *فصلنامه مدیریت استاندارد و کیفیت*، ش ۴، تهران، انجمن تعالی کسب و کار ایران، ص ۵۹ - ۴۳.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی